



## پیدایش خط نستعلیق و میرعلی تبریزی

### فضل‌الله فاضل‌نیشابوری<sup>(۱)</sup>

چکیده

در این نوشته با مرور نوشته‌های مربوط به تاریخچه و واضح خط نستعلیق نشان داده شده است که خط نستعلیق طی مرور زمان و با تغییرات اندک در خط نسخ آهسته آهسته به سوی تعلیق و نستعلیق حرکت کرد و سرانجام میرعلی تبریزی به عنوان تدوین‌کننده خط نستعلیق را به قاعده در آورده و بشکل یک خط در کنار خطوط دیگر ارائه داده و به آن تعیین و تشخص بخشیده و نام آن را نسخ تعلیق (نستعلیق) گذاشت.

صاحب‌نظران، در باره پیدایش خطوط اسلامی و ایرانی از جمله خط نستعلیق، اظهار نظر و بررسی‌های اندکی نموده‌اند. شواهد و قرائن برای ریشه‌یابی این خطوط مبین این نکته است که تغییرات در خط بیکباره اتفاق نیفتاده، بلکه دهها سال و شاید قرن‌ها طول کشیده تا در نتیجه تجربه، ذوق و خلاقیت استادان خط به مرور زمان شکل گرفته و مورد پسند عامه و مقبول طبع هنرمندان واقع شده است. هرچند این تحولات هیچگاه متوقف نشده و اکنون نیز ادامه دارد. روشن است که ماندگاری و یا زوال هنر خط را ضرورتاً اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و مهمتر از آن اصالت و ریشه‌دار بودن آثار خلق شده تعیین خواهد کرد. از زمان پیدایش خط نستعلیق تا امروز ما شاهد دگرگونی‌های دل‌انگیز در خط زیبای نستعلیق بوده‌ایم، خط نستعلیق با همّت استادانی چون میرعلی تبریزی - اظهر - جعفر - سلطانه‌علی مشهدی - شاه محمود نیشابوری و استاد بنام و یگانه میرعلی هروی دوران اول خود را طی کرد. دوران دوم، دوره

شکفتگی و رشد و بالندگی خط نستعلیق با سعی و تلاش بزرگانی همچون مالک دیلمی، بابا شاه اصفهانی و استاد بزرگ دوره صفویه میرعماد الحسنی بود و دوران بعدی مقارن و همزمان با ورود صنعت چاپ در ایران است. در دوره قاجاریه و با ظهور میرزا محمد رضا کلهر و شاگردان او، مخصوصاً شاگرد با واسطه او محمد حسین عمادالکتاب، در تحول میمون دیگری در شاخه‌ای از این هنر با تلاش و ابتکار استادان بزرگی چون فتحعلی شیرازی موسوم به حجاب، میرحسین خوشنویسباشی میرزا کاظم و مخصوصاً میرزا غلامرضا اصفهانی در زمینه سیاه مشق‌نویسی پدید آمد که از آن به عنوان یک تحول ارزشمند می‌توان نام برد، بگونه‌ای که ساحت شگفت‌انگیز این خط را رونق، بهجت و صفای بیشتری بخشید<sup>(۱)</sup> و ظرفیت جدیدی برای این هنر گرانبمایه پدید آورد. البته در مقاله جداگانه‌ای باید از سیاه مشق و تاریخچه او و راز و رمز سیاه مشق‌های غلامرضا صحبت کرد. امروز انجمن خوشنویسان ایران مدیون تلاش‌ها و زحمات کلهر و شاگردان او مخصوص سید مرتضی برغانی است. با توجه به سیر مختصر تاریخی که ذکر شده به این نتیجه می‌رسیم که دگرگونی و تحول همراه با خلاقیت در خط بتدریج حاصل شده و امروز جهان اسلام گنجینه‌دار ذخائر فرهنگی ارجمندی در کتابخانه‌ها و موزه‌های کشورهای مسلمان و اروپا و امریکا می‌باشد. اگر به تاریخچه خط، عمیق‌تر بنگریم پیش از خط نستعلیق همین دگرگونی و تحول در خط کوفی وجود آمده است با تغییرات و تنوع بیشتر و حتی همزمان با خط کوفی خط نسخی وجود داشته که بسیاری از نسخه‌شناسان و فهرست‌نگاران آنرا نسخ کهن و یا نسخ اولیه نام نهاده‌اند که با نسخ امروزی متفاوت است و شاید حاصل تند نویسی کاتبان بوده که بصورت تحریری در قرون اولیه اسلام مرسوم بوده است.

بنابراین خطوط اسلامی بصورت خلق الساعه به وجود نیامده‌اند و در واقع حاصل تجربه جمعی هنرمند با ذوق بوده که بتدریج صورت گرفته و مقبول واقع گشته و بمرور دامنه زیبایی‌شناسی آن نیز گسترش یافته و از نظر تعادل و تناسب به اوج رسیده است. در ویژه‌نامه کلک مشکین مربوط به جشنواره خوشنویسی جهان اسلام در خلاصه مقاله‌ای از استاد

۱- میرزا غلامرضا اصفهانی از چهره‌های درخشان خوشنویسی دوره قاجار است و از استادان طراز اول و دارای شیوه مشخص و استواری در خط نستعلیق و در زمینه سیاه مشق مبتکر و دارای سبک خاصی است که این گونه آثار او از نظر ترکیب، فضا سازی و صفحه‌پردازی، هماهنگ، متناسب و دلپذیر و همچون یک تابلو نفیس در نهایت زیبایی خلق شده است. در مرقع شماره ۱۲۳۲۶ کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی قطعه سیاه مشقی با قلم شقی به خط میرزا غلامرضا اصفهانی موجود است.

امیرخانی با عنوان ریشه‌یابی پیدایش خط نستعلیق چنین آمده است:

یک پدیده اجتماعی مثل خط شباهتی دارد به ضرب المثل که نتیجه تجربه و حاصل ذوق و خرد جمعی است که از صافی انتخاب مردم در زمان طولانی باید عبور کند تا پذیرش بیابد و همانند غزلی نیست که یکباره و بصورت اشراقی بر سینه نورانی یک فرد با استعداد الهام شود، اما به دلایلی پیدایش خط نستعلیق برای ما معلوم نیست<sup>(۱)</sup>

در باره پیدایش خط نستعلیق لازم است شواهد و منابع بیشتری را مورد بررسی قرار دهیم. استاد فضائلی در کتاب تعلیم خط چنین نگاهشته است:

کمال الدین جعفر بایسنغری در رساله خود چنین گوید: ... بیاید دانست که نسخ تعلیق، اصل او نسخ است جماعتی شیرازیان در آن تصرّف کردند و کاف مسطح و ارسال اذیال سین و لام و نون از او بیرون بردند و سین قوسی و کثرت مد است از خطوط دیگر در آوردند و غث و سیمن در او رعایت کردند و آنرا خطی دیگر ساختند و نسخ تعلیق نام کردند و مدّتی بر آن گذشت بعد از آن تبریزیان در آن طریق که شیرازیان وضع کرده بودند تصرّف کردند و آنرا اندک اندک نازک می ساختند و اصول و قواعد آن وضع می کردند تا نوبت به خواجه امیر علی التبریزی - شکرالله سعیه رسید و او این خط را به کمال رسانید...<sup>(۲)</sup>

سپس بدنبال این مطلب ادامه می دهد که:

نگارنده هنگام تالیف جلد اوّل کتاب اطلس خط رساله جعفر را ندیده بود و این نکات که از نظر پیدایش خط نستعلیق ارزنده و حائز اهمیت است در آنجا از قلم بیفتاد لذا ایراد آنرا مغتنم دانست و انصاف را که حقیقت واقع را روشن ساخته است که می فرماید آغاز و شروع خط نستعلیق از شیرازیان بود و بعد تبریزیان دنبال آن را گرفته در آن کار کردند و خرد خرد آنرا بجایی رسانیدند تا بصورت خطی مستقل درآوردند و قابل آن شد که میرعلی تبریزی برای آن قواعد وضع

۱- ویژه نامه کلک مشکین جشنواره خوشنویسی جهان اسلام شماره ۴ ص ۵

۲- حبیب الله فضایی. تعلیم خط، (تهران: سروش، ۱۳۵۶)، ص ۲۶۵

(۱) کند

از بیان این نکته چنین بر می‌آید که مخترع و واضع خط، جماعت است نه فرد و بدون مقدمه و بغته پیدا نشده بلکه در طول سالها و بتدریج خودنمایی کرده است و فقط میرعلی آنرا تحت اصول و قواعد بقالب صحیح نستعلیق ریخته است و قابل آن شده است که در ردیف خطوط سته که در آن روزگار غیر آنها را برسمیت نمی‌شناختند قرار گیرد، اما اینکه سلطانعلی مشهدی، میرعلی تبریزی را واضع خط خوانده و گفته است که این خط قبل از میرعلی در عالم نبوده و او از ذهن خود به وجود آورده، مبالغه است و خواسته با این بیان اهمیت کار میرعلی را برساند<sup>(۲)</sup> و قول جعفر تبریزی برترین دلیل و حجت قاطع است چه او به زمان میرعلی نزدیکتر و به اوضاع خط آنزمان آگاهتر از سلطانعلی بوده است، زیرا جعفر تبریزی بیک واسطه خط نستعلیق را از میرعلی گرفته و استاد اظهر تبریزی است که اظهر استاد سلطانعلی می‌باشد. در رساله مدادالخطوط، تذکره الخطاطین میرزای سنگلاخ و گلستان هنر قاضی احمد قمی چنین آمده است: «و خواجه میرعلی تبریزی طیب الله مضجعه خط نسخ تعلیق را اختراع و ابداع نمود و اما خواجه میرعلی تبریزی نوعی دیگر وضع کرده‌اند که او را نسخ تعلیق نام نهاده، او فرع نسخ و تعلیق است<sup>(۳)</sup>».

قاضی احمد قمی که از تذکره‌نویسان دوره صفویه می‌باشد درباره وضع و ایجاد نستعلیق چنین نگاشته است: «واضع خط نسخ تعلیق خواجه میرعلی تبریزی است و او تعلیم پسرش عبیدالله داد و او در این فن سرآمد دوران شد و بعضی دیگر نوشته‌اند که خطش صورتی برنکرد اما قول اول اصح است».

و در همین کتاب صفحه ۵۷ در پاورقی مصحح کتاب چنین توضیح می‌دهد:

«خط نستعلیق در نیمه دوم قرن هشتم ابداع گردیده و در نیمه اول قرن نهم دو میرعلی تبریزی می‌زیسته‌اند یکی میرعلی بن الیاس تبریزی و دیگری

۱- این رساله نادرالوجود و منحصر بفرد متعلق به کتابخانه مجلس سنا بشماره ۱۶۳۲ مضبوط است.

۲- در رساله صراط السطور سلطانعلی مشهدی چنین آمده:

نسخ نستعلیق اگر خفی و جلیست	واضع الاصل خواجه میرعلیست
وضع فرموده اوزذهن دقیق	از خط نسخ و از خط نستعلیق
تساکه بوده است عالم و آدم	هرگز این خط نبوده در عالم

۳- نجیب مایل هروی. کتاب آرایه در تمدن اسلامی، ۱۳۷۲ ص ۳۷۹-۳۷۷

میرعلی بن حسن تبریزی و بخط میرعلی بن الیاس چند مثنوی از خواجوی کرمانی در موزه انگلستان می باشد که در تاریخ ۷۹۶ نوشته شده و در کتابخانه سلطنتی قطعه ای بخط میرزا جعفر بایسنغری وجود دارد که چنین رقم کرده (کتابه العبد جعفر الکاتب علی طریق واضع الاصل علی بن حسن السلطانی)

بنابراین قول، باید واضع خط نستعلیق را علی بن حسن دانست. وفات میرعلی تبریزی را صاحب شاهد صادق در سال ۸۵۰ ق ثبت کرده است و نیز در مقدمه گلستان هنر چنین آمده است

«از خط نسخ و تعلیق در سده هشتم خطی پدید گشت که نسخ تعلیق خوانده شده هر چند نوشته اند که واضع آن میرعلی بن حسن تبریزی می باشد و او را سلطانعلی مشهدی در صراط السطور که در متن کتاب نقل شده واضع الاصل خوانده و در اکثر مأخذ کهنسال این قول تأیید شده لکن مدارکی وجود دارد که این عقیده را رد می کند:

۱- تاریخ وفات میرعلی تبریزی واضع خط نستعلیق را سال ۸۵۰ ق. ضبط کرده اند و اگر عمر وی را حدود هفتاد سال فرض کنیم قاعدتاً باید ولادت او در حدود سال ۷۸۰ ق. باشد چنانچه این فرض و تصور صحیح باشد باید سن واضع خط نستعلیق در زمان ابداع این خط بیست و یا بیست و پنج سال کمتر نباشد یعنی حدود سال ۸۰۵ ق. در صورتی که آثار موجود نشان می دهد که خط نستعلیق قبل از پایان قرن هشتم هجری قمری در ایران رواج داشته و بدان کتابها نوشته شده است.

۲- کتابهایی که در نیمه دوم قرن هشتم تحریر شده نشان می دهد که این خطوط در سی سال آخر قرن هفتم رایج بوده است.

۳- زمانی که خط نستعلیق در بغداد رونق یافته دو میرعلی تبریزی در بغداد می زیسته اند یکی میرعلی بن حسن تبریزی و دیگری میرعلی بن الیاس باورچی تبریزی که از میرعلی بن الیاس تبریزی مثنویات خواجوی کرمانی مورخ سال ۷۹۶ بخط نستعلیق در موزه انگلستان می باشد لکن از میرعلی بن حسن تبریزی اثری پیش از سال ۸۰۰ هجری سراغ ندارم.

۴- قطعاتی که بخط میرعلی تبریزی دیده شده معلوم نیست خط کدام یک از

دومیرعلی است چه در رقم آنها پدر مرقوم نیست. با ذکر این مطالب میتوان گفت خط نستعلیق بصورتی نازیبیا به مرور بوجود آمده میرعلی بدان صورتی خوش‌داده و برای آن مانند این مقله در خط نسخ و تاج سلمانی در خط تعلیق قواعدی وضع کرده است<sup>(۱)</sup>

در رساله قوانین الخطوط در خصوص شخصیت میرعلی چنین نگاشته شده است: «واضع این خط دقیق، مقدم اوستادان سحرآثار و سردفتر هنرپیشگان روزگار خواجه میرعلی تبریزی است چنان که مذکور گشت وی بمنزله این مقله است که این نیز واضع خطوط شش‌گانه است حافظ کلام الله مجید بوده و به دیگر فضائل و کمالات اتصاف داشته اوستادان رفیع الشان از او تعلیم یافته و به مراتب عالیه رسیدند<sup>(۲)</sup>»

در رساله خط و نقاشی در مورد خط نستعلیق و واضع آن چنین ذکر شده است «اکنون حکایت نستعلیق بر این سوال است که: واضع آن مولانا میرعلی تبریزی است و بعد از او عبیدالله پسرش در این خط سرآمد دوران شده<sup>(۳)</sup>».

و نیز در کتاب پیدایش خط و خطاطان در مورد میرعلی و خط نستعلیق چنین اظهار نظر شده است میرعلی تبریزی قدوة الكتاب واضع و مخترع خط نستعلیق از مفاخر قرن هفتم هجری است حضرتش از فضائل و ملکات نفسانی موصوف و به ستودگی اخلاق و زُبدگی صفات معروف بود و در خطوط متداوله دست قوی از کثرت ممارست پیدا نمود تا بذروه ترقی و اشتهار رسید گویند یگانه آرزو و آمالش این بود که خطی احداث و اختراع نماید که از زیبایی و قشنگی ناسخ تمامی خطوط معموله و متداوله باشد تا عاقبت کامیاب گردید».

۱- گلستان هنر تألیف قاضی احمد قمی تصحیح احمد سهیلی خوانساری ناشر کتابخانه منوچهری چاپ دوم ص شانزده (مقدمه)

۲- قوانین الخطوط تألیف محمودبن محمد که در اواخر قرن ۱۰ نگاشته شده اصل نسخه از کتابخانه بودلیان و عکس آن در کتابخانه ملی به شماره ۷۶ موجود است.

۳- راسله خط و نقاشی نوشته قطب الدین محمد قصه خوان (به سال ۹۶۴) کتابخانه ملی ایران شماره ۶۹۱

صاحب کتاب خط و خطاطان می‌گوید که: «خواجه میرعلی اشتیاق غریبی به نگاشتن خط داشت و همواره به درگا ۵ خداوند بخشنده چهره عجز و انکسار می‌مالید و عاجزانه می‌نالید تا آنکه شبی در عالم رؤیا حضرت علی مرتضی او را فرمودای مرد خدا درست بط و اردک را منظر دقت مشاهده کرده‌ای؟ البته بنظر امعان نظر در او بنگر و از او احداث خطی کن، میرعلی در حال استعجاب عرض کرد ای سلطان مردان چگونه از روی قیافه و خلقت ناموزون مرغی بتوان احداث خط کرد آنحضرت فرمود از چشم و منقار و گردن او که چگونه مدور و محدب و مقعر و غیره است خط احداث نماید<sup>(۱)</sup>.

دکتر مهدی بیانی که از محققین و خط‌شناسان ایران است در این باره چنین اظهار میدارد

میر علی تبریزی - میرعلی سلطانی فرزند حسن تبریزی از مشاهیر دوره کشور دارای امیر تیمور گورگان و فرزند وی شاهرخ تیموری است و به قول صاحب مجالس المؤمنین مؤمنی فاضل صاحب توفیق و بقول صاحب مرآة العالم از دانایان ادب و دانش و بقول صاحب قواعد خطوط و ریحان نستعلیق حافظ قرآن و بقول سلطانعلی مشهدی شاعر بود... که بعدها از ترکیب خط (نسخ) و (تعلیق) خط جدید نستعلیق را وضع کرد<sup>(۲)</sup>:

غالب مورخین و تذکره‌نویسان نیز بر این عقیده هستند و میرعلی را واضع خط نستعلیق دانسته‌اند

صاحب مرآة العالم گوید: اکثری برآنند که وی خط نستعلیق را اختراع کرد و بعضی از متاخرین گویند بسا خطوط نستعلیق که پیش از دوره امیر تیمور دیده‌اند و میرعلی آن خط را تکمیل کرد... خط نستعلیق که بحق آنرا (عروس خطوط اسلامی) خوانده‌اند از مبتدعات خالص ایرانیان است که در آن ذوق و سلیقه و لطافت طبع ایرانی کاملاً نمودار است و بعقیده اهل فن و آشنایان به هنرهای زیبا، این خط از ظریفترین و دقیقترین آثار هنری ایرانست که در نوع کامل آن تمام نکات شیوایی از استواری و زیبایی اصول و قواعد، ذوق و سلیقه، صفا و ترکیب، کرسی و نسبت، ضعف و قوت، سطح و دور، صعود و نزول باید رعایت شود.

۱- پیدایش خط و خطاطان تألیف عبدالمحمد ایرانی ص ۷۷

۲- احوال و آثار خوشنویسان دکتر مهدی بیانی جلد ۱ و ۲ انتشارات علمی چاپ دوم ص ۴۴۳-۴۴۲-۴۴۱

در باره وضع نستعلیق باید دانست که مانند سایر ابداعات این خط نیز یکباره وضع نشده بلکه بتدریج حاصل شده است زیرا اگر بتکامل و تحول خطوط قرن هشتم توجه و خطوط کتابت این قرن مطالعه شود معلوم می‌گردد که از ابتدای قرن هشتم مخصوصاً در منتصف این قرن قلم کتابت نسخ بتدریج بواسطه سرعت قلم کم‌کم متمایل شیوه تعلیق شده است و همان قلم به نستعلیق نزدیک گردیده است... بنابراین اگر میرعلی تبریزی تصرّفی در این خط کرده آنست که آنرا تحت قواعدی آورده و در مقابل سایر خطوط اصلی تعیین و تشخص بخشیده که متمایز از سایر خطوط گردیده است و اطلاق عنوان «واضع» به وی از این رو رواست.

از آثار میرعلی یک مرقع دوازده رقع‌ای مناجات حضرت علی ابن ابی طالب (ع) در کتابخانه کاخ و موزه گلستان و یک نسخه خمسه نظامی و امیر خسرو دهلوی در کتابخانه ملی ایران، یک نسخه کلیات سعدی در یک مجموعه شخصی و قطعات بسیار نادری نیز دیده شده است<sup>(۱)</sup>.  
علی راهجیری خوشنویس و محقق در این باره چنین می‌گوید<sup>(۲)</sup>:

می‌دانیم که از میان تمام خطوط که با شیوه‌ای کاملاً جدا و متمایز از سایر خطها نوشته می‌شود خط نستعلیق از لحاظ زیبایی فوق‌العاده‌اش عروس خطوط اسلامی نامیده می‌شود و ابداع و اختراع مردم ایران است و از دیرباز به عنوان بهترین خط از لحاظ صورت و معنی شناخته شده است، دکتر بهرام فره‌وشی که از علمای ارجمند و زبان‌شناس و از مخالفان خط فارسی بوده است اکنون معتقد است که خط فارسی یکی از آسان‌ترین و بهترین و با صرفه‌ترین خطهای دنیاست این خط با همین وضع کنونی هم امتیازات خطوط شکل‌نگاری را دارد و نیز دارای امتیازهای آوانگاری است

در کتاب تاریخ مختصر خط و سیر خوشنویسی در ایران در خصوص پیدایش خط نستعلیق چنین آمده است<sup>(۳)</sup>:

بعد از ایجاد خط تعلیق توبت به احداث خط نستعلیق رسید که از خطوط خالص ایرانی و از ابداعات خالص ایرانیان است و بواسطه زیبایی ظاهر آنرا بحق و

۱- برگرفته از آثار و احوال خوشنویسان - دکتر مهدی بیانی

۲- زندگانی و آثار عمادالکتاب تحقیق و نگارش علی راهجیری چاپ اول ص ۲۰

۳- تاریخ مختصر خط و سیر خوشنویسی در ایران تألیف علی راهجیری ص ۷۶



انصاف عروس خطوط اسلامی می‌نامند چنانکه از تاریخ خط و خوشنویسی مستفاد می‌شود در قرن نهم شیوه نستعلیق نویسی مرسوم و بخوبی آشکار بوده ولی گویا اختراع آن قبل از این تاریخ شده است... در هر صورت وضع خط نستعلیق را که از نسخ و تعلیق استنباط شده در زمان امیر تیمور گورکانی بخواجه میرعلی تبریزی (قدوة الکتاب) نسبت داده‌اند و گویند پسرش میرعبیدالله آن را کامل نمود میرعلی تبریزی اولین کسی است که نام او به ایجاد خوش‌نویسی خط نستعلیق در افواه جاری و در کتب و تذکره‌ها یاد شده است.

بطور کلی از مجموعه اظهار نظرهای استادان و محققان در زمینه خوشنویسی باین نتیجه می‌رسیم که:

- ۱- خط نستعلیق پیش از میرعلی تبریزی بصورت غیر مدوّن وجود داشته بطوری که در بسیاری از منابع و مآخذ سراغ آن را می‌توان گرفت.
- ۲- زمان شروع این خط، دقیقاً مشخص نیست ولی به تقریب و احتمال می‌توان گفت آثار ابتدائی خط نستعلیق در کتب و نسخه‌های خطی موجود است و شروع اولیه آن شاید از تندنویسی و ایجاد دور بیشتر در خط نسخ پدید آمده باشد.
- ۳- میرعلی تبریزی در واقع تدوین‌کننده بوده است به گونه‌ای که خط نستعلیق را به قاعده در آورده و بشکل یک خط در کنار خطوط دیگر ارائه داده و به آن تعین و تشخیص بخشیده و نام آن را نسخ تعلیق (نستعلیق) گذاشته است.

نمونه‌هایی از خط نستعلیق بترتیب:

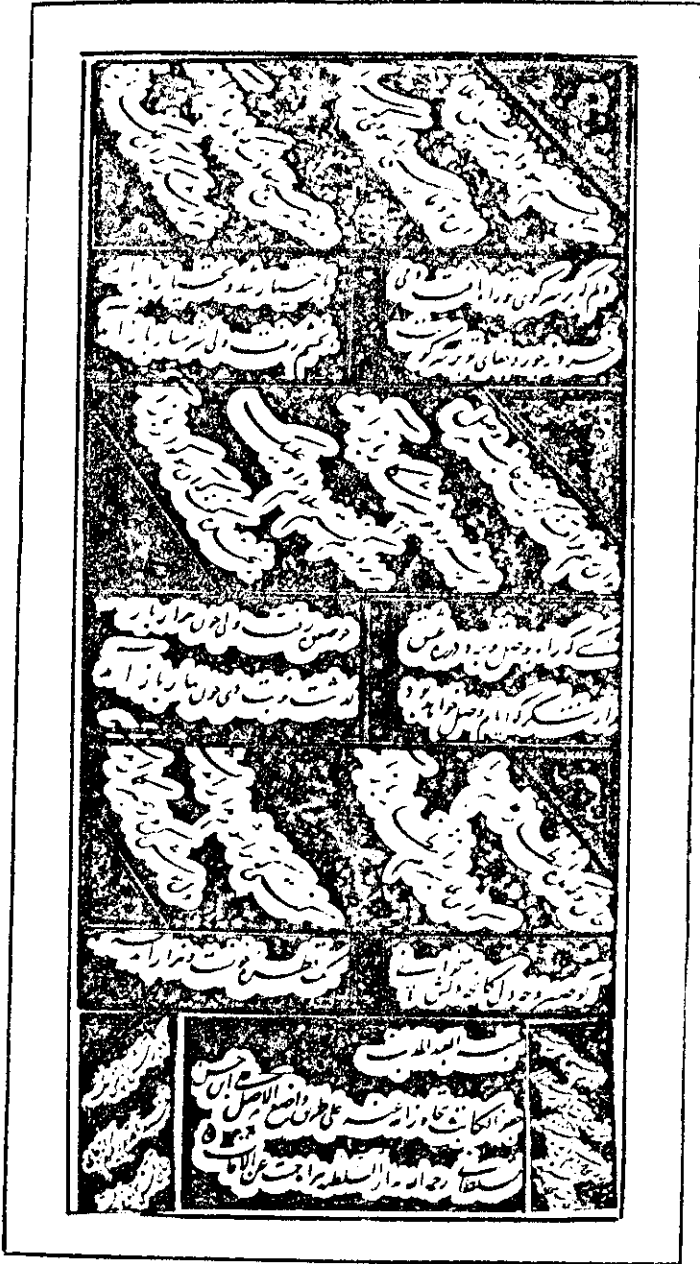
۱. خط چلیپا از میرعلی تبریزی در موزه و کتابخانه لنین گراد موجود است.
۲. چلیپا از میرعلی تبریزی که رقم آن بطور کامل بنام میرعلی کاتب تبریزی ذکر گردیده است.
۳. صفحه‌ای از کتاب بوستان خط، از انتشارات مستوفی است، که به خط جعفر بایسنعری و به شیوه میرعلی تبریزی کتابت شده است و در انتهای خود آنرا ذکر کرده است.
۴. چلیپا از استاد بزرگ دوره صفویه میرعمادالحسینی.
۵. سوره مبارکه حمد از میرعماد.
۶. سیاه مشق از میرزا غلامرضا اصفهانی استاد بزرگ دوره قاجاریه.



خط میرعماد که بشیوه و سبک میرعلی مرادی نوشته است اصل این قطعه از کتابخانه  
ملی تهرانست









قطعه‌ای با مصیبه علی از کتابخانه لنین گراد



## منابع

- ۱- کلک مشکین (ویژه نامه خوشنویسی جهان اسلام) شماره ۴
- ۲- تعلیم خط - جیب الله فضائلی چاپ اول
- ۳- رساله جعفر بایستغری - نسخه خطی از کتابخانه مجلس سنای سابق شماره ۱۶۳۲
- ۴- صراط السطور سلطانعلی مشهدی (برگرفته از تذکرة الخطاطین)
- ۵- کتاب آرائی در تمدن اسلامی - نجیب مایل هروی چاپ اول
- ۶- گلستان هنر - قاضی احمد قمی تصحیح احمد سهیلی خوانساری
- ۷- قوانین الخطوط - محمودبن محمد - کتابخانه ملی نسخه عکسی شماره ۷۶
- ۸- رساله خط و نقاشی - قطب‌الدین محمد قصه‌خوان کتابخانه ملی شماره ۶۹۱
- ۹- پیدایش خط و خطاطان - عبدالمحمد ایرانی
- ۱۰- احوال و آثار خوشنویسان - دکتر مهدی بیانی جلد ۱ و ۲
- ۱۱- زندگی و آثار عماد‌الکتاب - علی راهجیری
- ۱۲- تاریخ مختصر خط و سیر خوشنویسی در ایران - علی راهجیری